

The spread of tolerance in the evidence of traditions to the pilgrimage of the buried in the blessed monuments (Case study of Muhammad Hilal)

Ali Ghazanfari¹

Khadijeh Ahmadi Bighash²

Abstract

There are many blessed monuments in the Islamic world. The existence of thousands of blessed tombs in Iran and the deep belief of Iranians in the status and dignity of those buried there as well as the existence of a culture of pilgrimage and belief in the rich culture of Islamic knowledge; It has created a high capacity, which has transformed the blessed monuments into cultural centers. According to historical studies, there are different narrations confirming or denying the owners of the blessed monuments, which, of course, may not have solid evidence or documentation. The present study seeks to answer the question of whether, in such situations, one should accept folk evidence or reject and condemn people's beliefs. A descriptive-analytical study of this issue in a case study of the holy shrine of Muhammad Hilal or Muhammad Mahro Aran, which is one of the holy places; its show "Jurisprudential derivation of legal causes (tanqih al-manāt) from weakly-attested but operationally accepted hadiths (man balagh) " in order to express its non-exclusiveness in recommended news and its spread to historical material, this is something that fundamental thinkers have done regarding abandoning abominations. This is explained by the explanation of tolerance in the evidence of traditions, fundamental arguments, and historical references, the inclusion of this rule in the extension of tolerance in the evidence of traditions to the pilgrimage of the buried in the blessed monuments makes the case study of Muhammad Hilal possible because; there is no consensus on whether Muhammad Hilal is the son of Ali ibn Abi Talib (AS) or his nineteenth grandson from Badr al-Din Ali, who has become such a pilgrimage site for devotees of the Prophet's family. The elimination of the need for sometimes ineffective explorations in proving or disproving historical opinions about the owners of blessed monuments will result in finding the benefits of pilgrimage with the knowledge of the pilgrim.

Keywords: Tolerance in the evidence of traditions, Man balagh, Blessed monuments, Muhammad Hilal, Muhammad ibn Ali ibn Abi Talib, Muhammad ibn Badr al-Din.

1. Associate Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Holy Quran University of Sciences and Education, Tehran, Iran.
ali@qazanfari.net

2. Assistant Professor, Department of Quran and Hadith, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University (Corresponding Author).
kh.ahmadi@modares.ac.ir

انتشار حالة التسامح في مراسم زيارة المدفونين في الأماكن المقدسة (دراسة حالة محمد هلال)

على غضنفرى^١
خديجه احمدى بيغش^٢

الخلاصة

هناك العديد من الأماكن المقدسة في العالم الإسلامي. إن وجود آلاف المراقد المقدسة في إيران وإيمان الإيرانيين العميق بمكانة وكرامة المدفونين لديهم، فضلاً عن وجود ثقافة الزيارة والإيمان بثقافة التعاليم الإسلامية الغنية كل ذلك اوجد مساحة ثقافية واسعة من خلالها تحولت المراقد المقدسة الى مراكز ثقافية. بحسب الدراسات التاريخية توجد هناك روايات مختلفة تؤكد أو تنفي وجود أصحاب الأماكن المقدسة، وقد لا تكون لها أدلة أو وثائق قاطعة. تسعى الدراسة الحالية إلى الإجابة على السؤال التالي: هل ينبغي في مثل هذه الحالات قبول الأدلة الشعبية أو رفض معتقدات الناس وإدانتها؟ إن الدراسة الوصفية والتحليلية لهذه القضية في دراسة حالة مرقد محمد هلال أو محمد ماهرو آران وهو من الأماكن المقدسة تبين أن تهذيب أنماط روايات «مَنْ بَلَّغَ» بقصد التعبير عن عدم حصريتها في الأخبار المستحبة وانتشارها في الروايات التاريخية هو ما فعله الأصوليون في ترك المكروهات. هذا من خلال تفسير التسامح في أدلة التراث والحجج الأساسية والمراجع التاريخية يجعل من الممكن إدخال هذه القاعدة في امتداد التسامح في أدلة التراث إلى زيارة المدفونين في الأماكن المقدسة مثل مرقد محمد هلال كحالة دراسة. لأنه لا يوجد رأي موحد حول هل محمد هلال هو ابن علي بن أبي طالب عليه السلام أو حفيده التاسع عشر من بدر الدين علي الذي أصبح مزاراً لمحبي آل البيت عليهم السلام. سوف نتحقق الحاجة إلى الاستكشافات التي قد تكون لا اثر لها أحياناً في إثبات أو دحض الآراء التاريخية لأصحاب الأماكن المقدسة، وسوف نتحقق فوائد الزيارة من خلال معرفة الزائر.

الكلمات المفتاحية: التسامح في أدلة السنن، من بلغ ، الأماكن المباركة، محمد هلال، محمد بن علي بن أبي طالب، محمد بن بدر الدين.

١. أستاذ مشارك، قسم علوم القرآن والحديث، جامعة العلوم و معارف القرآن الكريم ، طهران، إيران.
ali@qazanfari.net

٢. أستاذ مساعد، قسم القرآن والحديث، كلية العلوم الإنسانية، جامعة تربية مدرس (المؤلف المسؤول).
kh.ahmadi@modares.ac.ir



فصل نامه
علمی
مطالعات
بفتاح و
امکان
متبرکه

تسری تسامح در ادله سنن به زیارت مدفون شدگان بقاع متبرکه (مطالعه موردی محمد هلال)

مقاله پژوهشی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۹/۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۶/۱۷

علی غضنفری^۱
خدیجه احمدی بیغش^۲

چکیده

بقاع متبرکه بسیاری در جهان اسلام وجود دارند. وجود هزاران بقعه مبارکه در ایران و اعتقاد عمیق ایرانیان به مقام و منزلت مدفون شدگان در آن و همچنین وجود فرهنگ زیارت و اعتقاد به فرهنگ غنی معارف اسلامی، ظرفیت بالایی به وجود آورده که بقاع متبرکه به واسطه آن تبدیل به کانون‌های فرهنگی شده است. مطابق بررسی‌های تاریخی، نقل‌های متفاوتی در تأیید یا رد صاحبان بقاع متبرکه وجود دارد که البته ممکن است دارای برهان و مستندات محکم نیز نباشد. پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این مسئله است که در این‌گونه مواقع باید ادله عامیانه را پذیرفت، یا باورهای مردم را رد و نکوهش کرد. بررسی توصیفی تحلیلی این مسئله در مطالعه موردی بقعه شریفه محمد هلال یا محمد ماهرو آران که یکی از اماکن مقدس است نشان می‌دهد تنقیح مناط از روایات «من بَلَّغ» به قصد بیان عدم انحصار آن در اخبار مستحبات و سرایت آن به منقولات تاریخی، امری که اندیشمندان اصولی درباره ترک مکروهات انجام داده‌اند. این امر با شرح تسامح در ادله سنن، براهین اصولی و منقولات تاریخی شمول این قاعده را در تسری تسامح در ادله سنن به زیارت مدفون شدگان بقاع متبرکه مطالعه موردی محمد هلال را ممکن می‌دارد. زیرا در اینکه آیا محمد هلال فرزند علی بن ابیطالب علیه السلام است یا نوه نوزدهم وی از بدرالدین علی که چنین زیارتگاه شیفتگان خاندان نبوی شده است، نگاه واحدی دیده نمی‌شود. عدم لزوم کاوش‌های گاه‌بی‌اثر در اثبات و یا رد نظرات تاریخی در صاحبان بقاع متبرکه را محقق داشته و یافتن بهره زیارت با معرفت زائر منتج خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: تسامح در ادله سنن، من بلغ، بقاع متبرکه، محمد هلال، محمد بن علی بن ابی‌طالب، محمد بن بدرالدین.

سال دوم

شماره ۵

پاییز ۱۴۰۳

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، تهران، ایران.

ali@qazanfari.net

۲. استادیار گروه قرآن و حدیث دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول).

kh.ahmadi@modares.ac.ir

۱. مقدمه

فرهنگ و شکل پیچیده و پیشرفته‌تر آن یعنی تمدن، دارای ارکان اصلی‌ای چون: علم، نظم، امنیت و وحدت و تعاون است (اثنی‌عشران، ۱۳۹۶: ۷۶). انبیاء و ادیان از اصلی‌ترین پایه‌گذاران شکل‌گیری این عوامل فرهنگ‌ساز بوده‌اند (حجازی، ۱۳۴۹: ۲۵).

با این بیان امامزادگان که در راستای کارکرد انبیا ولو در مقیاسی کوچک‌تر تعریف می‌شوند عاملی برای ایجاد این ارکان هستند. همچنین داشتن ارتباط با انسان‌های بزرگ و اسوه از یک سو از بهترین شیوه‌های تربیتی بوده، و از سویی دیگر تأثیر معنوی و اشراف ارواح بزرگ بر دیگران نیز قابل انکار نیست. انبیا و اولیای الهی، بهترین الگوهای ارتباطی انسان در مسیر رشد و تکاملشان محسوب می‌شوند. این ارتباط در قالب «زیارت» مطرح شده است. استقبال انسان‌ها از اماکن زیارتی در تمامی ادیان آسمانی و بشری و به‌خصوص اشتیاق مسلمانان به زیارت اماکن و مزارهای مقدس بر کسی پوشیده نیست. از آنجا که زیارتگاه‌ها بزرگ‌ترین پایگاه تبلور آموزه‌های دینی و آسمانی هستند، نقش اساسی و عظیمی در تأمین راهبردی بنیادی در حرکت تاریخ بشر داشته و خواهند داشت (موسوی، ۱۳۹۲: ۱۰۲).

مکان‌های زیارتی مهم‌ترین پایگاه ترسیم و تنظیم حرکت تاریخ در آینده بشریت هستند و به عنوان مرکز ثقل و کانون اصلی تحولات جهانی و مدیریت فرهنگی بشریت، ظرفیت‌ها و قابلیت‌های خود را در اموری چون: تأمین سلامت روانی معنوی افراد، اعمال تشریفاتی جمعی، شعائر منظم گروهی مومنان، تقویت حسن همبستگی گروهی، دوری افراد از امور مربوط به زندگی اجتماعی نامقدس و وارد نمودن آنان به قلمرویی متعالی (توسلی، ۱۳۸۰، ۴۷)، مهاجرت برای تبلیغ دین، صبر و ایستادگی در راه تحقق آرمان‌ها، ایثار و گذشت از جان و مال، گرایش به تکلیف‌محوری با ترویج دانش دینی، شکل‌گیری و استمرار فرهنگ دینی، و... را آشکار خواهند ساخت (حبیبی‌سی‌سراء، ۱۳۹۲: ۱۰۱). بررسی تاریخی نقل‌های متفاوت در تایید یا رد صاحبان آن بقاع نشان می‌دهد دیدگاه‌های گوناگون وجود دارد اما بر پایه برهان و مستندات محکم نیست. حال آنکه اعتبار امامزادگان و بقاع متبرکه در ایران به حدی است که وجودشان در بسیاری از موارد دلیل عمده تأسیس اولیه یا توسعه بعدی شهرها شده است. امامزادگان زائران خود را از شهرهای گوناگون پذیرا بوده، توریسم مذهبی را رونق داده، و با اسامی گوناگونی چون قبه، مزار، مشهد، مقبره، مدفن، روضه، مقام، بقعه، آستانه، گنبد، و امامزاده خوانده می‌شوند. این بناها را به منظور گرامی‌داشت یاد و خاطره شخص متوفی که اغلب از فرزندان و نوادگان ائمه علیهم‌السلام و بزرگان دینی، ادبی و علمی بودند در محل دفن وی می‌ساختند (براند، ۱۳۶۶، ۳۱۷). پژوهش حاضر به صورت موردی بقعه شریفه محمد هلال یا محمد ماهرو آران را با بررسی توصیفی تحلیلی در تنقیح مناط از روایات «من بلغ» به قصد بیان عدم انحصار آن در اخبار مستحبات و سرایت آن به منقولات تاریخی، و به عبارت دقیق‌تر برهان اصولی تسامح در ادله سنن را مورد تحقیق قرار داده‌است.

۲. پیشینه تحقیق

- مقاله: **تبیین شاخص‌های اثرگذار بر الگوی بافت شهرهای زیارتی با تأکید بر گردشگری مذهبی**، نوشته امین امینی کاشانی، نشریه برنامه‌ریزی و آمایش فضا (۱۴۰۲)، نقش بقاع متبرکه را در ایجاد بافت فرهنگی مذهبی شهرهای گوناگون پرداخته است.
 - مقاله: **نقش امامزادگان در همگرایی فرهنگی و اجتماعی میان شیعه و اهل سنت افغانستان (از تیموریان تا معاصر)**، نوشته حسین عبدالحمید، نشریه سخن تاریخ (۱۴۰۲)، جایگاه فرهنگی و اجتماعی امامزادگان را به عنوان محور وحدت در میان مذاهب مختلف مورد بررسی قرار داده است.
 - مقاله: **تبدیل بقاع متبرکه به قطب فرهنگی با تقویت و ارتقا جایگاه تربیتی آنها**، نوشته اسماعیل خارستانی، نشریه معرفت (۱۴۰۰)، نقش بقاع متبرکه را در هویت فرهنگی و تربیتی مورد بررسی قرار داده است.
 - کتاب: **بقاع متبرکه ایران**، نوشته حسین علی بایرام نژاد (۱۳۹۴)، تلاش نموده به احصاء دقیق تمامی بقاع متبرکه موجود در ایران اهتمام نماید.
 - مقاله: **نقش فرهنگی بقاع متبرکه در جامعه**، نوشته علی‌اکبر ایمانی، نشریه کنگره ملی حضرت محمد هلال ابن علی (۱۳۹۴)، متبرکه امامزادگان را به لحاظ تاثیرات محیطی فرهنگی اجتماعی آنها مورد بررسی قرار داده است.
- و نگاه‌های بی‌شمار دیگر. اما پژوهشی که به بررسی شیوه اعتبار زیارت امامزادگان و بقاع متبرکه، خصوصاً از طریق برهان اصولی تسری تسامح در ادله سنن به زیارت مدفون شدگان بقاع متبرکه در مطالعه موردی محمد هلال بپردازد، یافت نشد.

۲-۱ معرفی محمد هلال بن علی

- بررسی‌های تاریخی دو نقل متفاوت در باره محمد هلال را گزارش می‌دهند که شرح آنها عبارت است از:
- بنا بر نقلی محمد هلال، فرزند امیرمؤمنان علی (ع) و امامه میباشد. امامه دختر ابوالعاص و زینب دختر رسول خدا (ص) بود. وی پس از شهادت حضرت فاطمه (س) و البته بنا بر وصیت ایشان و برای سرپرستی فرزندانش به عقد امام علی (ع) درآمد. **مطابق این نقل تاریخی**، محمد هلال بن علی در شب اول ماه مبارک رمضان سال چهاردهم هجری قمری در مدینه منوره متولد گردید. امام علی (ع) برای ادای نماز مغرب به مسجد رفته بودند که قنبر، غلام آن حضرت، خیر ولادت این نوزاد را به مولایش داد. امام با شنیدن این خبر خوشحال شد و به خانه آمد. وی صورت نوزادش که مانند ماه شب چهاردهم بود مشاهده کرد و برای ادای شکر این نعمت به آسمان نگاه نمود. چون چشمانش به هلال ماه رمضان افتاد و فرمود: «**الْحَمْدُ لِلَّهِ هَذَا هَلَالٌ وَجْهٌ**: شکر خدای را، صورت این مثل ماه است.» به همین مناسبت او را «محمد هلال» نام گذاشتند و بعد از آن به «هلال علی» شهرت یافت (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲: ۱۹۳).

برابر نقل تاریخی، محمد هلال در زمان حادثه کربلا در شهر طائف بوده است. هنگامی که خبر شهادت امام حسین علیه السلام و یارانشان به او رسید، پس چند روز عزاداری طائف را ترک گفت و با برادرش عون به سوی خراسان که مرکز بسیاری از شیعیان و دوستداران اهل بیت علیهم السلام بود روانه شد. پس از ورود به خراسان در شهر طوس اقامت گزید. مردم آن دیار از ورود آنان آگاه شدند و گروه گروه به دیدارشان رفته و گرد آنان جمع می‌شدند. این امر بر حاکم، قیس بن مژه گران آمد. وی لشکری مهیا ساخت و آن دو بزرگوار و یارانشان را به نبرد طلبید. هلال بن علی و عون بن علی به اتفاق دوستان و یارانشان، برای دفاع از خود از شهر خارج شدند و به نبرد مجبور گشتند. بسیاری از یارانشان مجروح و کشته شدند و عون بن علی نیز شهید گردید. هلال شبانگاه از بیراهه به سوی قم و کاشان رفت و در نوش‌آباد پیرمردی بنام بابا یعقوب که بارها به حضور پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله شرفیاب شده بود، ملاقات کرد. وی از محمد هلال پذیرائی نمود و محمد سه سال در آران به عبادت و وعظ و ارشاد دوستان و شیعیان مشغول بود و سرانجام در شب جمعه آخر ماه مبارک رمضان سال سوم، پیامبر، امام علی، حضرت زهرا، امام حسن، امام حسین و عون علیهم السلام را به خواب دید که در آن میان پیامبر صلی الله علیه و آله او را مورد خطاب قرار داده، فرمودند: فرزندم! مدتی است که انتظار تو را میکشم.

گویند پیامبر صلی الله علیه و آله سببی در دست داشته و به محمد هلال فرمودند: «این سبب از آن توست، تلاش کن تا فردا شب با این سبب روزه خود را افطار نمایی و نزد ما باشی». هلال از خواب بیدار شد و ماجرای این خواب را برای بابا یعقوب نقل کرد. وی خواب را چنین تعبیر کرد که آن روز آخرین روز عمر محمد است. شب همان روز فرا رسید. محمد نماز مغرب و عشاء را با بابا یعقوب و فرزندانش به جماعت اقامه کرد و به آنان وصیت کرد که وی را در همان مکان دفن کنند. آنگاه سر به سجده نهاد و چیزی نگذشت که به جد و پدر بزرگوارشان ملحق شد. بابا یعقوب و فرزندانش، آن حضرت را غسل داده، کفن نموده و پس از نماز، ایشان را در همان مکان که اکنون زیارتگاه اوست به خاک سپردند. پس از سه روز بابا یعقوب نیز به او پیوست و در پایین قبر آن حضرت به خاک سپرده شد (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۳: ۳۰۵).

در مقابل این دیدگاه برخی معتقدند بزرگوار مدفون در آران، فرزند بی‌واسطه امام علی علیه السلام نبوده و اساساً آن امام همام فرزندی چنین نداشته است. عده‌ای کار تشکیک را جدی تلقی کرده‌اند و عدم حضور وی در کربلا و نبود هرگونه سند تاریخی در اثبات و نفی این مهم را به عنوان دلیل مدعی خود دانسته‌اند (آرانی، ۱۳۷۹: ۱۸۱-۱۹۰).

بر پایه این مؤیدات، برخی بر آنند که مدفون در این بقعه، با نوزده واسطه به امیرمؤمنان علی ابن ابی‌طالب علیه السلام میرسد. بنابراین نظریه وی هلال‌الدین فرزند بدرالدین و از نوادگان امام سجاد علیه السلام است. با این وصف شجره‌نامه او چنین است: هلال‌الدین محمد ابن بدر الدین علی ابن شمس‌الدین سنان ابن عبدالوهاب ابن‌نمیله ابن محمد ابن ابراهیم ابن عبدالوهاب اکبر ابن ابی‌اماره مهنا اکبر قاضی مدینه ابن ابی‌هاشم داود ابن امیر شمس‌الدین ابی احمد قاسم ابن امیر ابوعلی عبیدالله امیر مدینه و عقیق ابن ابوالحسن طاهر ابن علی محمد حسن ابن جعفر الحجه ابن ابوعلی عبیدالله اعرج ابن ابوعبدالله حسین اصغر ابن

سید الساجدین ابن سیدالشهدا الحسین ابن علی ابن ابی طالب (طبری، ۱۴۰۷، ج ۵: ۱۵۴). بی‌تردید این ادعاها در کنار عدم گزارش تاریخی از جایگاه وی می‌تواند شبهه پرداختن به اعتبار امامزادگان خصوصاً محمد هلال را دوچندان تقویت نماید. به عنوان نمونه بررسی تحلیلی این دو نقل تاریخی گویای آن است که برخی مطالب مطرح شده در دیدگاه اول نمی‌تواند خالی از ایراد باشد. اینک به چند مشکل آن اشاره میشود:

۱. قنبر غلام امام علی علیه السلام با کنیه ابوشعثاء، به صراحت اندیشمندان رجالی در جنگ اسلام و سلسله ساسانی اسیر و به مدینه آورده شد و غلام ویژه امیرالمؤمنین علیه السلام گشت و در حدود سال‌های ۷۵ تا ۹۵ (زمان حکومت حجاج بر کوفه) به شهادت رسیده است. نبرد قادسیه در سال ۱۴ هجری بود و فتح ایران در سال ۱۹ قمری کامل شد. بنابراین حداقل نوعی هم‌زمانی بین ورود قنبر به مدینه و تاریخ تولد محمد هلال مشاهده می‌شود؛ اگر نگوئیم ممکن است سال اسارت قنبر بعد از سال ۱۴ هجری باشد. البته آنچه را که برخی آورده‌اند که چون قنبر صحابی نبوده و از تابعان است پس در زمان ولادت محمد هلال، وی حدود سه سال داشته است، قطعی به نظر نمی‌رسد (تستری، ۱۳۷۹: ۲۰۱).
 ۲. مشهور تنها وجود سه امامزاده بلافصل در شهرهای قم، شیراز و اردبیل در ایران را تأیید می‌کند و وجود امامزاده دیگر بدون سند قطعی و حداقل محفوف به قرائن قابل پذیرش نیست (جعفریان، ۱۳۸۵: ۱۵۹).
 ۳. هیچ سند تاریخی قابل اعتماد که فرزند بلافصل امام علیه السلام به آران آمده، وجود ندارد (آرانی، ۱۳۷۹: ۱۸۸).
 ۴. روایت نقل شده از امام علی علیه السلام «**الْحَمْدُ لِلَّهِ هَذَا هَلَالٌ وَجْهٌ**» در هیچ مسند روایی نقل نشده است (آرانی، ۱۳۷۹: ۱۸۹).
 ۵. زیارت‌نامه نقل شده برای محمد هلال، همان زیارت‌نامه ابن طاووس در مصباح الزائر است که برای همه امامزادگان بیان شده (ابن طاووس، ۱۳۷۵: ۵۴۱-۵۴۶)، و محمد هلال زیارت‌نامه ویژه‌ای ندارد.
- بنابراین، بدون توجه به این مشکلات و بدون توجه به اتقان اسناد، اعتماد به این ادله معقول به نظر نمی‌رسد.

۲-۲ نقش قاعده تسامح در ادله سنن در بقاع متبرکه

با توجه به آنکه حدود ده هزار امامزاده در داخل کشور وجود دارد که شیفتگان بسیاری را مجذوب خود کرده است، اما همه آنان از شجره مورد اعتماد نیستند. حال آنکه این بقاع متبرکه هم اکنون زیارتگاه خیل عاشقانی است که از نقاط مختلف به آن روی می‌آورند. جایی است برای عبادت خداوند متعال، محلی است برای اجتماع مردم، مکانی است برای آغاز حرکت‌های اجتماعی تأثیرگذار مانند انقلاب اسلامی و... لذا تشکیک در آن با بیان غیرقطعی مباح نیست. باید چاره‌های اندیشیده شود که هم باور حقیقت تلقی نگردد و هم به اعتقادات مردم بی‌توجهی نشود.

آنچه نگارنده به دو گزارش متفاوت از سرگذشت شخصیت محمد هلال و تحلیل آنها دنبال

می‌کند سربان جریان اصولی تسامح در ادله سنن به زیارت اماکن مقدسه جهت بیان چاره‌ای مستند برای این مشکل است. البته قبل از آن نگاهی اجمالی به این بحث اصولی ضروری است.

قاعده تسامح در ادله سنن، قاعده‌ای است که طبق آن، اگر روایت ضعیفی مانند خبر واحد غیر عادل یا غیر ثقة بر وجوب یا استحباب چیزی دلالت نماید، می‌توان آن را مستحب تلقی نمود (آخوند خراسانی، ۱۴۱۲: ۲۹۶). به عبارتی دقیق‌تر تسامح در ادله سنن قاعده‌ای فقهی و اصولی به معنای آسان‌گیری نسبت به مستندات احکام مستحب است. فقها بر اساس این قاعده، در ادله و مستندات احکام مستحب سخت‌گیری نکرده و شرایط احراز حجیت خبر واحد را ضروری نمی‌دانند. قاعده تسامح ادله سنن، انجام دادن عملی است که احتمال مطلوبیت آن وجود دارد و حتی به امید دریافت ثواب می‌توان آن را انجام داد. مثلاً اگر خبر ضعیفی دلالت کند بر این که خواندن دو رکعت نماز در شبی خاص، فلان مقدار ثواب دارد، مکلف می‌تواند آن نماز را به عنوان مستحب به جا آورد. دلیل این قاعده، برخی روایات است که به اخبار «من تلغ» مشهورند (زحیلی، ۱۴۰۶: ج ۱: ۴۵۵). بدین معنا که وجود شرایط حجیت خبر مانند سند قابل توجه، دلالت و جهت صدور، برای تمام اخبار در تمام موضوعات لازم است. این ضوابط، برای مباحث مختلف گوناگون است. در گستره این قاعده و شمول آن نسبت به مکروهات، اختلافاتی وجود دارد که موجب مخالفت برخی با این قاعده به دلیل تحریف دین می‌دانند (بحرانی، ۱۳۶۳، ج ۴: ۲۰۲؛ انصاری، ۱۴۰۴: ۱۲).

علوم دینی از نظر احتیاج آنها به استدلال نقلی، به جهت اهمیت و نقشی که در زندگی دنیوی و اخروی انسان دارد، قابل طبقه بندی هستند. طبیعی است که مباحث اعتقادی، باید به وسیله عقل پایه‌گذاری شده و نقل در آنها یا مؤید است و یا صرفاً برای بیان جزئیات موضوعی بکار می‌رود که اصل آن به وسیله عقل اثبات شده باشد. مباحث اخلاقی نیز، پرداخته دین نیست، بلکه احکام اخلاقی مقتضای حکم عقل هستند و مثلاً عقل غصب اموال دیگری، غیبت، افتراء، و... را صحیح و پسند نمی‌داند.

دین اسلام که برترین ادیان الهی است، تنها قواعد عقلی را در اخلاق محکم‌تر می‌نماید و لذا رسول مکرم اسلام ﷺ علت بعثت خود را تتمیم مکارم اخلاقی می‌داند نه ایجاد اخلاق که آن را خداوند با خلق عقل در وجود انسان قرار داده است. «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۱۰). در تفسیر قرآن نیز برخی معتقدند که ظن حجیت ندارد و خبر واحد کارساز نیست، هرچند این دیدگاه باید در جای خود مورد بررسی قرار گیرد، اما نشان از جایگاه حدیث در تفسیر بین اندیشمندان اسلامی دارد.

در مباحث فقهی چون موضوع آن شناخت حکم خداوند است و ارتباط مستقیم با سعادت دنیوی و اخروی انسان دارد و از طرفی آیه و نیز حدیث متواتر در این مورد بسیار کم است، به‌ناچار باید از روایات واحد استفاده کرد. اهمیت این بخش موجب می‌شود تا نهایت دقت در این احادیث به عمل آید. اساساً دانش رجال و درایه در مرحله اول برای تشخیص حجیت در همین دسته احادیث، با همین کاربرد شکل گرفته است.

اما آیا احادیثی که حکم مستحب و یا مباحی را مطرح می‌کند، لازم است این مقدار از حجیت که در وجوب و حرمت لازم است، داشته باشد؟ در پاسخ به این پرسش مهم بایست گفت که مقتضای

اخباری که به جهت کاربرد واژه «من بلغه» به «من بلغ» شهره یافته و ادعای تواتر بر آن شده، و دلیل آن را اجماع یا حسن احتیاط ذکر کرده‌اند (انصاری، ۱۴۰۴: ۱۴-۱۵؛ کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۸۷؛ حر عاملی، ۱۳۹۸، ج ۱: ۸۰-۸۲)، این است که اگر در خبر ضعیفی، ترتب ثواب بر عملی استحبابی بیان شود، بنده به امید رسیدن به آن ثواب اقدام به عمل نماید، خداوند از فضل خود آن ثواب را مرحمت میکند و فقیه می‌تواند بر اساس آن، فتوا به استحباب دهد (بجنوردی، ۱۴۲۴، ج ۳: ۳۳۴-۳۳۵؛ نراقی، ۱۴۱۷: ۷۹۵). منابع اهل سنت نیز احادیثی با این مضمون، از پیامبر ﷺ را نقل کرده‌اند (خطیب بغدادی، ۱۳۴۹، ج ۸: ۲۹۶؛ عجلونی، ۱۴۰۸، ج ۲: ۲۳۶-۲۳۷). برخی از این روایات عبارت است از:

- «عن هشام بن سالم عن ابي عبدالله ﷺ قال من سمع شيئاً من الثواب على شيء فصنعهُ، كان له وإن لم يكن على ما بلغه» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ۸۷). هشام از امام صادق ﷺ نقل می‌کند که فرمود: کسی که چیزی از ثواب بر عملی را بشنود و آن عمل را انجام دهد، همان ثواب را می‌بیند هرچند آنچه که شنیده درست نبوده باشد.
- «عن محمد بن مروان قال: سمعت ابا جعفر ﷺ يقول: مَنْ بَلَغَهُ ثَوَابٌ مِنَ اللَّهِ عَلَى عَمَلٍ فَعَمِلَ ذَلِكَ الْعَمَلَ الْإِيمَانِ ذَلِكَ الثَّوَابُ، أَوْ تَبَهُ وَ إِنْ لَمْ يَكُنِ الْحَدِيثُ كَمَا بَلَغَهُ» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۸۷). محمد بن مروان می‌گوید از امام باقر ﷺ شنیدم که فرمود: کسی که ثوابی از خداوند بر عملی را بشنود و آن عمل را به خاطر رسیدن به آن ثواب انجام دهد، همان ثواب به او داده می‌شود هرچند آن چنان که او شنیده نبوده باشد.
- «عن صفوان عن ابي عبدالله ﷺ مَنْ بَلَغَهُ شَيْءٌ مِنَ الثَّوَابِ عَلَى شَيْءٍ مِنَ الْخَيْرِ فَعَمِلَ بِهِ كَانَ لَهُ أَجْرُ ذَلِكَ وَإِنْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَمْ يَقُلْهُ (نسخه بدل: و ان لم يكن على ما بلغه)» (حر عاملی، ۱۳۹۸، ج ۱: ۵۹). صفوان نیز از امام صادق ﷺ نقل می‌کند که: کسی که چیزی از ثواب بر عمل نیکی بشنود و عمل را به خاطر همان انجام دهد، همان بهره را می‌بیند هر چند رسول الله ﷺ آن را نفرموده باشد. (نسخه بدل: و اگرچه آن گونه که به او رسیده، نباشد).
- «عبدالرحمن الحلواني مرفوعاً الى جابر بن عبد الله الانصاري، قال: قال رسول الله ﷺ مَنْ بَلَغَهُ مِنَ اللَّهِ فَضِيلَةً فَأَخَذَ بِهَا وَعَمِلَ بِمَا فِيهَا إِيْمَانًا بِاللَّهِ وَرَجَاءً ثَوَابِهِ اعطاه الله تعالى وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ كَذَلِكَ» (ابن فهدحلی، ۱۴۰۷، ج ۱۱). کسی که از خداوند فضیلتی را بشنود و آن را گرفته و طبق آن عمل کند در حالیکه ایمان به خداوند داشته و امیدوار به تفضل آن ثواب از او باشد، خداوند به وی اعطاء خواهد کرد هر چند اصلاً چنین حدیثی وجود نداشته باشد.

حاصل این روایات آنکه رسیدن ثواب به کسی است که عملی را مطابق روایت غیرمستند انجام دهد مشروط بر اینکه (حر عاملی، ۱۳۹۸، ج: ۶۱-۵۹؛ ابن فهدحلی، ۱۴۰۷: ۹-۲۰):

- روایت وارده در بیان عمل و ثواب آن، منقول از معصوم ﷺ باشد.
- در روایت، عمل مثبت و ثواب آن طرح شده باشد.
- شنونده، عمل را به طمع رسیدن به همان ثواب انجام دهد.
- اگر در دنیا یا آخرت کشف شود که روایت موضوعه است، ثواب اعطاء می‌شود.
- اعطاء ثواب از باب تفضل خداوند است به کسی که امید این تفضل را دارد.

۲-۳ مقتضای روایات «مَنْ بَلَّغَ»

نتیجه اخبار من بلغ که خود از اسناد خوبی برخوردارند و اجماع علما پشتوانه آن است، حجیت اخبار ضعیفی است که دلالت بر ترتب ثواب بر عمل مستحب دارد. اکثریت علما عمل مطابق خبر ضعیف را در امثال قصص، مواعظ، فضائل اعمال جایز می‌دانند و این خوب است مشروط بر اینکه خبر ضعیف در حدی نباشد که موضوعه بودن آن روشن باشد (عاملی جعبی، ۱۴۰۸: ۲۹).

بیشک ترتب ثواب بر ترک عمل مکروهی که اسناد آن در بررسی‌های متون رجالی مورد تأیید نیست، از باب تنقیح مناط و عدم موضوعیت صرف استحباب در روایات من بلغ، قابل اشاعه است. لذا ترک مکروهی که ثواب برای آن بیان شده نیز مثبت مطرح شده در لسان روایت ضعیف را داراست. چراکه همان‌گونه که فعل مستحب ثواب دارد، ترک مکروه نیز ثواب دارد و مناط اینها یکی است. از این رو حکم وارد شده در مورد هر کدام، در دیگری هم نافذ است.

بنابراین، تسامح در ادله سنن به معنای عدم اعتبار شرایط حجیت خبر واحد در مورد انجام مستحبات و یا ترک آنهاست و این اجماع بین شیعه و سنت است (انصاری، ۱۴۰۴: ۲۱۱-۲۱۳). در این میان عده‌ای از علما نیز تلاش نمودند در برابر نص این روایات من بلغ، اجتهاد کرده و نظرات خود را راجح بدانند.

به عنوان نمونه یکی از این علما می‌فرماید: مراد از رسیدن خبر، رسیدن خبر از راه غیر مطمئن نیست، بلکه مراد رسیدن خبر از طریق عقلانی مطمئن است همانند شیوه رسیدن خبر در مورد امور لازم است (مامقان، ۱۳۵۱: ۳۸). ظاهراً در این دیدگاه تأکیدی بر این است که آثار جعل از ظاهر احادیث هویدا نباشد، در این صورت سخن ارزشمندی است. اما اگر مراد او مخالفت با روایات من بلغ باشد، روایاتی که به حد استفاضه رسیده، قابل پذیرش نیست. چراکه این سخن که خبر باید از طریق عقلانی مطمئن صادر شود، همان چیزی است که قبل از اخبار «مَنْ بَلَّغَ» هم قابل بیان بود. در حالی که اخبار «مَنْ بَلَّغَ» نوعی تفضل الهی را برای عمل‌کننده به مقتضای اخبار ضعیف مطرح داشته، و به صراحت می‌فرماید هر چند معصوم علیه السلام آن خبر را نقل نکرده باشد، حجت است. نگارنده ادله زیر را جهت حجت اطلاق قاعده تسامح در ادله سنن و روایت «مَنْ بَلَّغَ» در خصوص اعتبار بقاع متبرکه از جمله محمد هلال را ارائه داشته است:

۲-۳-۱ عدم تعارض روایت «مَنْ بَلَّغَ» با قرآن

برخی از آیات قرآن لزوم تبیین در خبر را یادآور شده است از جمله آیه: «إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصِيبُكُمْ عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ» (حجرات: ۶). این قبیل آیات با روایت «مَنْ بَلَّغَ» متعارض نیست. زیرا آیه درصدد بیان این است که حرف فاسق را نباید بدون تبیین عمل کرد. حال آنکه بر مبنای این روایت عمل بر طبق خبر ضعیف، بعد از تبیین آنها با توجه به اخبار «مَنْ بَلَّغَ» است.

۲-۳-۲ عدم تعارض روایت «مَنْ بَلَّغَ» با حکم عقل

استدلال به روایات «مَنْ بَلَّغَ» موجب نمی‌شود برخی اموری که واقعاً فضیلتی ندارد، یا اماکنی که

هیچ اعتباری ندارند وضع و جعل شده، و این تشریح حرام و بی‌علت داخل دایره دین گردند. زیرا تشریح حرام زمانی است که بدون علت و حجت صورت گیرد. در حالی که اخبار «مَنْ بَلَّغَ» حجت شمرده شده است. در اینجا حجت، پشتوانه خبر ضعیف می‌باشد. البته اخبار ضعیف نباید به صورتی باشد که ساختگی بودنش آشکار باشد و معارض حکم عقل باشد.

گرچه گاهی نقل ضعیف دال بر ثواب، با روایت قوی دال بر عدم ثواب و یا حتی حرمت روبرو می‌شود. اما مشکل این تعارض فرع پذیرفتن روایات «مَنْ بَلَّغَ» است. علاوه بر این پیداست که در این‌گونه موارد باید قواعد تعارض ادله را اجرا کرد و هر کدام طبق قواعد، ترجیح داده می‌شود، به مقتضای همان عمل نمود.

۲-۳-۳ اعتبار فتوا با استناد به روایت «مَنْ بَلَّغَ»

احکام شرعیه تکلیفی محتاج به دلیل است. استحباب نیز حکم شرعی است. لذا همان‌طور که فقیه در واجب و حرام حق فتوا بر طبق خبر ضعیف ندارد، در استحباب نیز چنین است. در قاعده تسامح در ادله سنن بر اساس استناد به روایت «مَنْ بَلَّغَ» هرگز فقیه بر طبق خبر ضعیف فتوا نمی‌دهد، بلکه اخبار ضعیف تنها به عمل مکلف نظر داشته، مستند فتوای فقیه بر استحباب، اخبار «مَنْ بَلَّغَ» است. این دسته از اخبار، اخبار مستفیضی هستند که از نظر سند حجت شمرده شده و پشتوانه خبر ضعیف می‌شوند. مضافاً آنکه برخی چون مرحوم مجلسی ادعای تواتر اخبار «مَنْ بَلَّغَ» دارند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸: ۱۱۳).

۲-۳-۴ تنقیح مناط در روایت «مَنْ بَلَّغَ»

تصحیح یا جبران ضعف روایات استحبابی و اشاعه آن به روایات ضعیف دال بر ترتب ثواب بر ترک مکروهات در روایات کراهتی ضعیف‌السند، به وسیله اخبار «مَنْ بَلَّغَ» در منقولات تاریخی هم جریان یافته و نقل تاریخی ضعیف که ترتب ثواب بر انجام عملی (مانند زیارت بقعه و غیر آن) را بیان کند را نیز شامل می‌شود. زیرا مناط آنها یکی است و فرقی نیست در اینکه دروغگو بگوید هر کس فلان عمل را انجام دهد فلان ثواب دارد و هر کس فلان عمل مکروه را ترک کند فلان ثواب دارد؛ و یا بگوید هر کس فلان بقعه را زیارت کند فلان ثواب دارد.

بنابراین، اگر خبر ضعیفی دلالت بر ترتب ثواب بر عملی خاص داشت تحقق آن عمل نیز مستوجب ثواب خواهد بود و این از باب تفضل الهی است. بی‌تردید این ادعا با توسعه تنقیح مناط علت جریان اخبار «مَنْ بَلَّغَ» از روایات مستحبی به روایات ترک مکروه، قابل اثبات است. هر آنچه دانشمندان اصولی در علت آن سر بیان داشتند، ما نیز در اینجا یعنی جریان قاعده در منقولات تاریخی خواهیم گفت. چه اینکه آنجا علت جریان یا تفضل الهی است چنانچه به آن اشاره رفت و یا انما الاعمال بالنیات می‌باشد.

با بیان این معادله اصولی که اثر زیارت مدفون در بقیاع متبرکه، هرکه باشد و هر میزان از قداست نزد خدا برخوردار باشد، بستگی تام به زائر دارد، اگر زائر با معرفت کامل و به نیت شخص خاص زیارت کرد، همان ثواب به وی عطا می‌شود.

نتیجه‌گیری

یکی از اماکن مقدس، بقعه شریفه محمد هلال آران است. در باره صاحب این بقعه دو نقل تاریخی وجود دارد یکی آنکه وی فرزند بلافصل علی بن ابیطالب علیه السلام است؛ دیگر آنکه وی نوه نوزدهم امام از بدرالدین علی است. تنقیح مناط از روایات «من بلغ» به قصد بیان عدم انحصار آن در اخبار مستحبات و ترک مکروهات، و سرایت آن به منقولات تاریخی، حاکی از آن است که این دسته از اخبار، رسیدن ثواب زیارت بقعه‌هایی که مشهور به شخصیت خاصی هستند به زائران آنان صحیح است. بر اساس تسامح در ادله سنن و بهره‌مندی از براهین اصولی آشکار داشت منقولات تاریخ مشمول این قاعده خواهد بود. از این رو کاوش‌های گاه بی‌اثر در اثبات و یا رد نظرات تاریخی درباره صاحبان بقاع متبرکه لزومی نداشته و بهره زیارت تنها به معرفت زائر بستگی تام دارد.

کتاب‌نامه

ابن بابویه، علی بن حسین (۱۳۶۸ش). **ثواب الاعمال و عقاب الاعمال**، قم: منشورات الشریف الرضی.

ابن بابویه، علی بن حسین (۱۴۰۳ق). **خصال**، قم: جامع مدرسین حوزه علمیه.

ابن بابویه، علی بن حسین (۱۴۱۳ق). **من لایحضره الفقیه**، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.

ابن فهد حلی، احمد بن محمد (۱۴۰۷ق)، **عده الداعی و نجاح الساعی**، قم: دارالکتب الاسلامیه.

ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹ق)، **مناقب آل ابی طالب**، تهران، نشر علامه.

ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۷۵ش). **مصباح الزائر**، قم: آل البيت.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۵ق). **لسان العرب**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

اثنی‌عشران، مهدی، تقی‌پور، فائزه (۱۳۹۶ش). «شناسایی عوامل فرهنگی موثر بر مدیریت کارآمد

بقاع متبرکه». **مجله مرمت و معماری ایران**، شماره ۱۴، صص: ۷۵-۹۰.

احمدی، سید اصغر (۱۳۸۴). **کتاب شناسی امامزادگان و اماکن متبرکه**، تهران: صبح صادق(سازمان اوقاف و امور خیریه).

انصاری، شیخ مرتضی (۱۴۰۴ق). **رسالة فی التسامح فی ادلة السنن**، قم: المکتبه الفقهیه.

آخوند خراسانی، محمدکاظم (۱۴۱۲ق). **کفایة الاصول**، بیروت: مجمع الفکر الاسلامی.

آرانی، غلامرضا (۱۳۷۹). **رساله هلالیه در شرح حال امامزاده محمد هلال بن علی**، آران: انجمن اهل قلم.

بجنوردی، حسن (۱۴۲۴ق). **القواعد الفقهیه**، قم: نشر الهادی.

بحرانی، یوسف (۱۳۶۳ق). **الحدائق الناصره فی احکام العترة الطاهرة**، قم: موسسه النشر الاسلامی.

براند. هیلن (۱۳۶۶ش). **معماری ایران دوره اسلامی**، ترجمه کرامت الله افسر، تهران: جهاد دانشگاهی

بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷ق). **انساب الاشراف**، بیروت: دارالفکر.

تستری، محمدتقی (۱۳۷۹ق). **قاموس الرجال**، تهران: مرکز نشر کتاب.

توسلی، غلامعباس (۱۳۸۰ش). **جامعه‌شناسی دین**، تهران: سخن.

جعفریان، رسول (۱۳۸۵ش). **تاریخ تشیع در ایران**، قم: انصاریان.

حبیبی‌سی‌سرا، مرتضی (۱۳۹۲). «راهکارهای عملی تبدیل بقاع متبرکه به قطب فرهنگی»،

مجموعه مقالات اولین کنگره بین‌المللی امامزادگان، تهران: انتشارات اسوه.

حجازی، محمد (۱۳۴۹). **اندیشه**، تهران: ابن سینا.

الحرانی، حسن بن شعبه (۱۴۱۰ق). **تحف العقول**، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.

حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۹۸ق). **وسائل الشیعه فی تحصیل مسائل الشریعه**، تهران: مکتبه الاسلامیه.

خطیب بغدادی، احمد (۱۳۴۹ق). **تاریخ بغداد**، قاهره: دارالکتب العلمیه.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۳۷). **لغت‌نامه دهخدا**، تهران: دانشگاه تهران.

زحیلی دمشقی، وهبه بن مصطفی (۱۴۰۶ق)، **اصول الفقه الاسلامی**، دمشق: دارالفکر.



طباطبائی، سید محمدحسین (۱۴۰۲ق). **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم: اسلام. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۵ق). **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

طبری، محمدبن جریر (۱۴۰۸ق). **تاریخ الرسل و الامم و الملوک (تاریخ الطبری)**، بیروت: دارالکتب العلمیه.

طوسی، محمدبن حسن (۱۳۶۵ق). **تهذیب الاحکام**، تهران: دارالکتب الاسلامیه. عاملی جبعی، علی بن احمد (۱۴۰۸ق). **الرعايه في علم الدرایه**، قم: مکتبه آیه الله المرعشی.

عجلونی، اسماعیل (۱۴۰۸ق). **کشف الخفاء**، بیروت: المکتبه العصریه.

عروسی حویزی، علی بن جمعه (۱۴۱۲ق). **تفسیر نورالثقلین**، قم، مؤسسه اسماعیلیان.

قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق). **تفسیر قمی**، قم، مؤسسه دارالکتاب.

قندانی آرانی، علی اکبر (۱۴۱۴ق). **هلال سپهر کویر**، آران، هیات امنای امامزاده.

کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۵ق). **اصول کافی**، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

مازندرانی، صالح بن احمد (۱۳۸۲ق). **شرح اصول کافی**، تهران، المکتبه الاسلامیه.

مامقانی، حسین بن عبدالله (۱۳۵۱ق). **مقباس الهدایه فی علم الدرایه**، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). **بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار**، بیروت، مؤسسه الوفاء.

مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، تهران، نشر کتاب.

موسوی ستاره، نیلی، محمدرضا (۱۳۹۲). «بررسی جایگاه زیارت امامزادگان در مهندسی فرهنگی»،

مجموعه مقالات اولین کنگره بین المللی امامزادگان، تهران: انتشارات اسوه.

نراقی، احمد (۱۴۱۷ق). **عوائد الایام**، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.

النوری الطبرسی، حسین (۱۴۰۸ق). **مستدرک الوسائل**، قم: آل البيت علیهم السلام.